



پژوهش‌های جدید مانوی

رساله جامع علوم انسانی

در بخش نخست: «گفتاری در عرفان مانوی و تأثیر آن بر فرهنگ، هنر و ادب ایرانی»، نویسنده به تأثیر عرفان مانوی در عرفان ایرانی پس از اسلام اشاره می‌کند و می‌گوید آنچه امروز برای ما ایرانیان درخور اهمیت است، بعد اسطوره‌ای، عرفانی و هنری این مکتب است.

آنگاه به عارفان بزرگ صدر مسیحیت که گسترده باورهای کیش گنوسی بوده‌اند، همچون شمعون مغ، مرقیون، بازیلیدس و والتین اشاره می‌کند و با دقتی ژرف‌نگر، چکیده‌ای از عرفان و فلسفه اینان را بیان می‌دارد. همچنین اشارتی دارد به صبغه عرفان در ادبیات هرمسی و عرفان مندایی، که این هر دو بینش به ثنویت نور و ظلمت قایل‌اند.

و اما مهم‌ترین ویژگی عرفان مانوی، معرفت و آگاهی و خرد است. به زعم مانویان، انسان در این جهان آمیخته به نور و ظلمت اسیر است و باید خود را در سایه معرفت به خود و خدای نور از چنگ ظلمت برهاند. روح یا خرد nous نام دارد که پاره نور زندانی در تن است و برابر با گنوس (gnos) است.

این کتاب دارای دو پیشگفتار (قبلی و جدید) و چهار بخش است. آنچه در پیشگفتار چاپ دوم، خواننده فرهنگ دوست را به خود می‌آورد، طرح این سؤال است که: به راستی ما از فرهنگ مکتوب سه هزار ساله مان چه آموخته‌ایم؟ و این آموخته‌ها تا چه اندازه مایه باروری و پویایی فرهنگ امروزم ما شده است؟ به نظر نویسنده، شکوه و ارج فرهنگ دیرسال ما می‌بایست درس آموز و مکمل تلاش‌های فرهنگی امروز باشد، وگرنه، تنها بالیدن و نازیدن بدان، بیانگر این معناست که روح آن را در نیافته‌ایم و آن را مانند شینی فاخر و تریبی به نمایش گذارده‌ایم.

چاپ دوم این اثر با ویراست جدید و افزوده‌هایی شامل سه بخش است:

۱. درآمدی بر عرفان مانوی و تأثیر آن بر فرهنگ، هنر و ادب ایران؛

۲. پژوهش‌های جدید مانوی؛

۳. ترجمه انگلیسی مهم‌ترین بخش‌های کتاب (درآمدی بر عرفان

مانوی، بازسازی و روایت اسطوره آفرینش مانوی)؛



● اسطوره‌ی آفرینش در آیین مانو

زهرا یاری

● انتشارات کاروان، چاپ اول، ۱۳۸۱

مانیک پیداست. یکی از این نشانه‌هایی اعتمادی به جهان و کار جهان است که در آثار غالب شاعران و نام‌آوران فرهنگ ایرانی - به ویژه پس از قرن چهارم هجری - بازتاب یافته است. نویسنده نیز با هوشمندی بدین بیت از حافظ اشاره می‌کند:

جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است

هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

(ص ۳۳)

به نظر نویسنده، اسطوره‌های گنوسی از طریق موالی نومسلمان ایران در دوران بنی‌امیه به غلاة شیعه و اسماعیلیه منتقل شد (ص ۳۵). البته می‌بایست به این بخش از تحقیقات مؤلف کتاب، این امر را افزود که دامنه تأثیر گنوستی سیزم در فرهنگ ما از این نیز پیش‌تر می‌رود، چنانکه آثار آن را در عرفان عین‌القضاة همدانی، ابوسعید ابوالخیر، سعدی، سنایی، عطار و مولانا و بسیاری دیگر به صورتهای گونه‌گون می‌توان یافت.

در بررسی بازتاب هنر مانوی، نویسنده بر آن است که خاستگاه زیبایی‌شناسی و نمادپردازی مانوی را می‌بایست در عرفان، اسطوره و

در عرفان مانوی، جهان به دو قلمرو کاملاً مجزای نور و ظلمت تقسیم شده است: تن، دیوی و روح، آسمانی است. عارف مانوی تن را آنقدر خوار می‌شمرد که در روز فقط یک وعده غذای گیاهی فراهم آمده به دست پیروان، بدو می‌خوراند؛ و سالی یک دست جامه به او می‌پوشاند. این عرفان تأثیر خود را تا قرن‌ها بر فرهنگ و عرفان پس از خود بر جای نهاد. نشانه‌های اندیشه گنوسی مانوی در ادب و عرفان

هنر گنوسی جست و جو کرد، زیرا چه بسیار درسها که گنوسیان به مانی آموختند.

همچنین به تأثیر هنر ایرانی دوره ساسانی در هنر مانوی آسیای میانه و تورفان اشاره می‌کند. آنگاه به بازتاب ادبی عرفان مانوی می‌پردازد؛ نوشته‌ها، سرودها و شعرهایی که گنجینه‌ای ارجمند و سترگ است. سپس نویسنده چند سروده مانوی را که به فارسی برگردانده است در پایان این فصل می‌آورد. این شعر که گزینش واژه‌ها و ترکیب زبانی در آن با دقت تمام صورت گرفته، یکی از آنهاست:

زندگی ات پوچ

در اندوه این جهان و دل بستگی هایش
هبوط کرده در میان دردها و اندوهان

بیگانه‌ای

فسرده در کالبد خاک

پشت کن بدین جهان پلشت

و بی اعتنا نگر

خوشا، فراروی توست

راه سفر

عزیمت خویش

به نسیان مسبار. (ص ۵۰)

نویسنده در بخش دوم: «مانی و اسطوره نور و ظلمت» می‌گوید که آموزه‌ها، آثار و پژوهشهای مانوی به تبار ایرانی مانی اشاره دارد و اینکه او خود در بابل پرورش یافت و بدین سبب، آیین وی آیینی گنوسی، متأثر از عرفان گنوسی - مسیحی بین‌النهرین (میان رودان)، سوریه و مصر بود که وی آن را با دیدگاه نور و ظلمت ایرانی درآمیخت و با برخی آرای هندی - بودایی پرداخته کرد. او این آیین

را «مکاشفه دو بُن» می‌خواند. وی دانش «روان چینی» را که چیدن و گردآوری روانها و روشنیه‌های بازممانده در قعر مغاک و در تن دیوان بود، ترویج کرد.

آنگاه از ارژنگ مانی سخن به میان می‌آورد که شرح نگارین اسطوره‌های نور و ظلمت است و تا اواخر قرن پنجم هجری در غزنین یافت می‌شده است. در حقیقت، نگارگری ابزاری بود برای توجیه و تشریح اسطوره آفرینش و البته این دو بین نگری وی با آن گنوسیان متفاوت بود، زیرا وی همچون زرتشت برای نور و ظلمت ازلیت قائل بود، در حالی که به عقیده گنوسیان، نور از زادگاه روشن خویش به این جهان پراز ظلمت فرو افتاده بود.

در آیین مانی، نور و ظلمت را دو اقلیم است و هر یک را شهریاری نیرومند: شهریار روشنی: پدر بزرگی یا زروان (Zorvan)؛ و شهریار تاریکی یا اهریمن. پدر بزرگی برای نبرد با اهریمن مادر زندگی را فرا می‌خواند و او هر مزد بَغ را برای جنگ با اهریمن و تاریکی می‌آفریند. وی نهاد انسان زندانی خاک است. (ص ۶۳)

هدف غایی مانویان جدایی نور از ظلمت و چیرگی آن بر دین بوده است. به گمان مانی، انسان اصلاً زاده ظلمت است چه، شهریار تاریکی برای مقابله با مادینه و نرینه نریسه ایزد و دوشیزه روشنی (که آزاد سازنده پاره‌های نور از درون دیوان‌اند)، زوجی نر و ماده به وجود می‌آورد به نامهای گهمرد (Gehmord) و مردیانه (Mordiane). اما ایزدان نور می‌خواهند این موجود (انسان) را آگاه سازند. زیرا گوهر نورانی در تن اهریمنی او زندانی است و می‌بایست بیرون آید و به سرزمین روشنی بازگردد و سرانجام نیز گهمرد و فرزندش شیت به سوی نور و حکمت ایزدی می‌شتابند، اما مردیانه به مغاک ظلمت فرو می‌افتد.

سرانجام در پایان جهان، زمان فرسنگرد یا رستاخیز فرامی‌رسد که پایان دوران آمیختگی نور و ظلمت است و نه پایان جهان؛ نور بر ظلمت غالب می‌شود و تاریکی نابود می‌گردد.

عهد می‌بندیم
که دست به گریز زنییم

سرشار از نور
پس هنگامی که نور به جایگاه خویش فراز تر رود
ظلمت فرو افتد

و هرگز بر نخیزد. (ص ۶۸)

در فصل سوم به آموزه مانوی می‌پردازد که یکی از گونه‌های متحول آیین گنوسی است و متأثر از آرای مسیحی، زرتشتی و تا حدی بودایی.

آنگاه به اختصار به گنوسی‌ان و اعتقادات آنها اشاره می‌کند و سپس سه مرحله اسطوره آفرینش در آیین مانی را برمی‌شمارد که از تازش اهریمن به دیار روشنی تا پایان در آمیختگی نور و ظلمت و آزادی پاره‌های نور ادامه دارد.

در این فصل نویسنده با دقتی کم‌نظیر به بررسی آثار مانی و مانویان، و نیز دست‌نوشته‌های قبطی، نوشته‌های فارسی میانه و پارتی، سغدی، چینی و ترکی، سریانی، یونانی و لاتینی در این باره می‌پردازد. وی در این بررسی نه تنها از آثار کهن، که از آخرین دستاوردهای علمی کمک گرفته است. همچنین به نویسندگان مسلمان که درباره مانی و آیین او قلم‌فرسایی کرده و او را زندیق خوانده‌اند، اشاره‌های مفصل و مستند دارد. می‌توان گفت در بررسی پژوهش‌های مانوی از آغاز تاکنون نیز کمتر منبع موثق و ارزشمندی از نظر تیزبین وی به دور مانده است. کتابشناسی مفصل و منظم پایان هر فصل نیز بیاتگر این مدعا است.

در بخش «بازسازی و روایت اسطوره آفرینش» نیز، به ایزدان اسطوره آفرینش و خویشکاری آنان اشاره کرده، یک‌یک آنان را برمی‌شمارد. آنگاه یک‌یک عناصر اسطوره‌ای و مراحل گوناگون آفرینش را در این آیین به شرح می‌نگارد. این مراحل شامل: آفرینش نخست، آفرینش دوم، آفرینش کیهان، آفرینش سوم، آفرینش انسان، چگونگی روان پس از مرگ، و پایان جهان است. در پایان این بخش نیز نویسنده در باب تمام اصطلاحات و نکات تاریک این مبحث توضیح کامل می‌دهد.

بخش آخر: متون مربوط به اسطوره آفرینش مانوی است که بسیار تخصصی می‌نماید و مؤلف، نوشته‌های فارسی میانه، پارتی و سغدی آن را با استادی تمام، با استفاده از متون ویراسته دانشمندان برجسته ایران‌شناس و دیگر متنها را از روی ترجمه‌های معتبر اروپایی به فارسی برگردانده است. خلاصه این اثر نیز در سمت چپ کتاب به زبان انگلیسی آمده است.

باید گفت این اثر می‌تواند در شمار مآخذ معتبری قرار گیرد که ما را با فرهنگ غنی و بارور سرزمینمان که بشارت‌دهنده پیروزی نور بر ظلمت است، پیوند می‌دهد.

